

طبقات الصوفیه و ویژگی‌های زبانی آن

دکتر محبوبه شمشیرگرها



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران، ۱۳۹۴

سرشناسه: شمشیرگرها، محبوبه، ۱۳۵۸-

عنوان و نام پدیدآور: طبقات الصوفیه و ویژگی‌های زبانی آن / تألیف محبوبه شمشیرگرها.

مشخصات نشر: تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۳۷۶ ص: جدول، نمودار.

فروست: زبان‌شناسی، ادبیات و فرهنگ؛ ۱۳.

شابک: 978-964-00-1768-5

وضعیت فهرست‌نویسی: فبای مختصر.

یادداشت: این مدرک در آدرس <http://opac.nli.ir> قابل دسترسی است.

یادداشت: کتابنامه.

شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۷۱۵۳۸

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۰-۱۷۶۸-۵



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران: خیابان جمهوری اسلامی، میدان استقلال، صندوق پستی: ۱۱۳۶۵۴۱۹۱

طبقات الصوفیه و ویژگی‌های زبانی آن

© حق چاپ: ۱۳۹۴، مؤسسه انتشارات امیرکبیر www.amirkabir.net

نوبت چاپ: اول

مؤلف: دکتر محبوبه شمشیرگرها

حروف متن: کریم ۱۶

چاپ و صحافی: اسپید، تلفن: ۸۸۴۳۷۶۵۶

شمارگان: ۳۰۰

بها: ۱۶۰۰۰۰ ریال

همه حقوق محفوظ است. هر گونه نسخه برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گومه در مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست

۱۱	پیشگفتار
۱۳	مقدمه
۲۱	طبقات الصوفیه و ویژگی‌های زبانی آن
۲۷	فصل اول: ویژگی‌های صرفی و نحوی طبقات الصوفیه
۲۹	۱- ۱- صرف
۲۹	۱- ۱- ۱- ساختمان واژه
۴۸	۱- ۱- ۲- اسم
۶۲	۱- ۱- ۳- صفت
۸۵	۱- ۱- ۴- ضمیر
۹۰	۱- ۱- ۵- قید
۹۹	۱- ۱- ۶- حرف
۱۳۹	۱- ۱- ۷- صوت
۱۳۱	۱- ۱- ۸- فعل
۲۳۰	۱- ۲- نحو
۲۳۰	۱- ۲- ۱- مطابقت فعل با نهاد در افراد و جمع
۲۳۱	۱- ۲- ۲- انواع و ساخت جمله
۲۳۳	۱- ۲- ۳- ساختمان، اجزاء و ترتیب اجزاء جمله
۲۴۰	۱- ۲- ۴- حذف در جمله
۲۴۷	فصل دوم: ویژگی‌های واژه‌ها (واژه‌های نادر طبقات الصوفیه)
۳۴۹	فصل سوم: ویژگی‌های آوایی طبقات الصوفیه
۳۵۰	۳- ۱- دگرگونی واکه
۳۵۱	۳- ۲- دگرگونی همخوان

۳-۲- دگرگونی واژه و همخوان	۳۵۴
فصل چهارم: ویژگی‌های معنایی طبقات الصوفیه	۳۵۵
منابع	۳۶۹
کتاب‌ها	۳۶۹
مقالات	۳۷۴

فهرست جدول‌ها و نمودارها

- جدول و نمودار ۱: میزان فراوانی واژه‌های ساده، مشتق و مرکب ۳۰
- جدول و نمودار ۲: میزان فراوانی واژه‌های فارسی و عربی ۴۷
- جدول و نمودار ۳: میزان فراوانی افعال ساده، پیشوندی و مرکب ۱۶۱

www.ketabir

پیشگفتار

هر زبان در طول تاریخ خود تحت تأثیر عوامل چندی نظیر جغرافیایی، فرهنگی، برخورد زبان‌ها و غیره دستخوش دگرگونی می‌شود که در نتیجه، صورت‌ها و گونه‌های متفاوتی از آن پدیدار می‌گردد. زبان فارسی نیز در طول تاریخ، چنانکه از متون و نوشته‌های به جامانده برمی‌آید، گاه در حوزه‌های جغرافیایی و دوره‌های زمانی متنوع، ناهمگونی‌هایی داشته است. شناخت ویژگی‌های زبانی هریک از این متون، می‌تواند گوشه‌ای از حرکت بزرگ شناخت اختصاصات گونه‌های مختلف زبان فارسی را سامان دهد. انگیزه نهایی انجام پژوهش حاضر، سامان‌دهی حلقه‌ای از این زنجیره، جهت دستیابی به برداشتی صحیح از چگونگی شکل‌گیری و سیر تحول زبان فارسی است. امید آنکه مورد توجه پژوهشگران، دانشجویان و علاقه‌مندان زبان‌شناسی، ادبیات و متون کهن زبان فارسی قرار گیرد.

این کتاب برگرفته از پژوهشی است که در قالب رساله دکتری در سال ۱۳۹۲ در گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس دفاع شد. از جناب آقای دکتر علی رواقی، جناب آقای دکتر سعید بزرگ‌بیگدلی، جناب آقای دکتر محسن ابوالقاسمی، جناب آقای دکتر حسن رضایی باغبیدی، جناب آقای دکتر محمدسرور مولایی، جناب آقای نجیب مایل هروی و نیز جناب آقای دکتر مرتضی رزم‌آرا

که هریک به نحوی، از ابتدای شکل‌گیری موضوع و هستهٔ اول این پژوهش تا آماده‌سازی آن برای انتشار، با راهنمایی‌های ارزشمندانهٔ خود، مرا یاری رساندند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌کنم.

محبوبه شمشیرگرها

خرداد ۹۳

www.ketab.ir

مقدمه

بررسی متون کهن فارسی با رویکردهای مختلف از جمله محتوایی، ادبی و زبانی می‌تواند دریچه‌ای به سوی کشف ناشناخته‌هایی از گنجینه‌های این سرزمین گشوده و جلوه‌ای از ارزش‌های هریک را نشان دهد. یکی از وجوه متعدد قابل بررسی دربارهٔ متون کهن فارسی، زبان آن‌هاست. غالب این آثار که به دست بزرگانی از علم، ادب، دین و هنر این سرزمین نگاشته شده‌اند به حوزه‌های جغرافیایی و دوره‌های زمانی متفاوت تعلق دارند. بنابراین انتظار می‌رود برخی ویژگی‌های زبانی آن‌ها با یکدیگر ناهمخوان باشد. از صورت‌های کاربردی زبان در حوزه‌ها و دوره‌های زمانی می‌توان به عنوان «گونه‌های زبانی» یاد کرد. زبان فارسی، زبانی یکدست و همگون نبوده و در سراسر قلمرو خود به یک شکل واحد به کار نمی‌رفته است. در نتیجه در حوزه‌های مختلف، گونه‌های تازه‌ای از زبان فارسی پدید آمده که گاه از نظر واژه، ساخت و آوا با یکدیگر تفاوت دارند. همین ناهمخوانی‌ها و ناهمگونی‌ها می‌تواند بخش مهمی از ویژگی‌های سبکی یک حوزه را در رویارویی با حوزه یا حوزه‌های دیگر مشخص کند.

هر زبان در طول تاریخ خود تحت تأثیر عواملی چند از قبیل جغرافیایی، فرهنگی، برخورد زبان‌ها و غیره دستخوش دگرگونی‌های فراوان می‌شود که در نتیجه صورت‌ها و گونه‌های متفاوتی از آن

پدیدار می‌گردد که از آن‌ها به عنوان گویش، لهجه و گونه یاد می‌شود. مهم‌ترین معیار و ضابطهٔ زبانی در به کارگیری اصطلاحات زبان، گویش، گونه و لهجه را می‌توان «فهم‌پذیری متقابل»^۱ دانست. معمولاً بین گویش‌های یک زبان، تفاوت‌های آوایی، واجی، واژه‌ای و دستوری مشاهده می‌شود که فهم آن غالباً به آموزش نیاز دارد. لهجه^۲ را نیز می‌توان یکی از متنوع‌ترین کلمات با دامنهٔ کاربرد تاریخی وسیع دانست که از دوره‌های اولیهٔ اسلامی و در کتب جغرافی‌نویسان متقدم تاکنون به معنای صورت‌های مختلف زبان وجود داشته است. اما با تعاریفی که امروزه از آن ارائه می‌شود، می‌توان گفت بین دو لهجه از یک زبان فقط تفاوت‌های آوایی و واجی وجود دارد. و اما گونه^۳ اصطلاحی عام‌تر است که برای هر نظام زبانی به کار گرفته می‌شود. به عبارت دیگر گونه اصطلاحی است خنثی که می‌توان آن را برای اطلاق کلی به کار برد. بنابراین هنگامی که از صورت‌های متنوع یک نظام زبانی بدون تأکید بر زبان، لهجه یا گویش بودن آن سخن گفته می‌شود این اصطلاح به کار می‌آید؛ چنانکه حتی برای اشاره به تنوعات و جلوه‌های گوناگون درونی لهجه، گویش و زبان‌ها نیز از آن بهره گرفته می‌شود.^۴ دامنهٔ کاربرد اصطلاح «گونه» چنان وسیع است که حتی می‌توان در گسترهٔ لهجه‌ها و گویش‌ها نیز از گونه‌های متعدد

1. mutual intelligibility

2. dialect

3. accent

4. variety

۵. برای اطلاعات بیشتر دربارهٔ زبان، گویش و گونه، رک. دبیرمقدم: ۱۳۸۷.

۹۱ - ۲۸ که با نظری جامع بر تعاریفی که تاکنون دربارهٔ مفاهیم مذکور

آمده، به مقایسهٔ آن‌ها پرداخته و دست آخر نیز خود تعریفی مشخص از

هر یک به دست داده که در اینجا ذکر شد. همچنین رک. صادقی:

[۱۳۷۱]، ۵۶ - ۱۴۰؛ مدرسی: ۱۳۶۸، ۱۳۲ - ۱۳۹؛ کلباسی: ۱۳۷۴، ۲۸ -

۲۹؛ کلباسی: ۱۳۸۸، ۱ - ۹؛ سارلی: ۱۳۸۷، ۳۵ - ۱۴۸

سخن گفت. همچنین رواج تعبیراتی نظیر گونه‌های گفتاری، نوشتاری، فردی و غیره نشان از این دامنه گسترده دارد. برخی نیز به این گونه‌های کاربردی یا موقعیتی، سبک اطلاق کرده‌اند که گاه با ویژگی‌های متفاوت واژه‌ای، دستوری و آوایی از یکدیگر بازشناخته می‌شوند.

تنوع جغرافیایی، زمانی و اجتماعی سه عامل اصلی و مهم بوجود آورنده گونه‌های زبانی هستند.^۱ اما با توجه به ابهامات فراوان در ادوار پیشین تاریخ زبان فارسی و شرایط نامعلوم اجتماعی و فرهنگی آن دوران، تنها می‌توان - آن هم نه به روشنی - از تأثیر دو عامل مهم جغرافیایی و دوره‌ای در ایجاد تنوع گونه‌ای در قرون متقدم سخن گفت. به‌طوری‌که آنچه تاکنون نیز گفته شده، از این واقعیت حکایت دارد.^۲ به هر روی، شاید بتوان با نگاهی به خاستگاه و نحوه شکل‌گیری و تحول زبان فارسی^۳ - هرچند به روشنی مشخص نیست - ریشه‌های ایجاد این تنوع را در حوزه‌های مختلف، به تفاوت در میزان و چگونگی اثرپذیری زبان آن مناطق از گویش‌ها و لهجه‌های محلی، نفوذ زبان عربی و نیز تحول از پهلوی و فارسی میانه، وابسته دانست. علاوه بر این‌ها می‌توان دلایل دیگری نظیر دوری و نزدیکی به مرکزیت سیاسی، ناساز بودن اوضاع اجتماعی، پراکندگی و تراکم سکونت در حوزه‌های جغرافیایی، شکل‌گیری امر آموزش و فراگیری

۱. برای اطلاعات بیشتر در این باره، رک. مدرسی: ۱۳۶۸، ۱۲۹ - ۲۰۶.
۲. برای اطلاعات بیشتر درباره گونه‌شناسی و گونه‌های زبان فارسی رک. صادقی: ۱۳۴۹، ۶۰ - ۶۶، [۱۳۷۱]، ۵۶ - ۱۴۰؛ ۱۳۸۵، ۴ - ۱۷؛ رواقی: ۱۳۶۴، هفت تا بیست و یک؛ ۱۳۸۶، ۵ - ۷۲؛ ۱۳۸۷، ۱ - ۲۴؛ ۱۳۸۷، ۲۲۰ - ۲۷۵.
۳. درباره خاستگاه فارسی دری و نحوه شکل‌گیری و تحول زبان فارسی نوین، رک. صادقی: [۱۳۷۱]، ۲۱-۵۵ که در آن به صورت کامل به این موضوع پرداخته است؛ همچنین رک. رضایی باغبیدی: ۱۳۸۸، ۱۶۱ - ۱۷۶؛ کلباسی: ۱۳۷۴، ۱۴ - ۴۱.

زبان را نیز از عوامل اثرگذار در دگرگونی و تنوع گونه‌ها به شمار آورد. همپای اهمیت ایجاد گونه‌های زبانی، چرایی و عوامل مؤثر در پایداری آن‌ها نیز نمی‌تواند از نظر دور باشد. تحولات جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی همانطور که در روند شکل‌گیری و پیدایش گونه‌های زبانی نقش دارند، در ماندگاری و از میان رفتن آن‌ها نیز اثرگذارند.

اما در خصوص چندوچون این گونه‌ها، هرچند به دلیل ثبت و ضبط نشدن مستقل هر یک در گذشته، آگاهی درستی از تعداد و قلمروی جغرافیایی و دوره زمانی آن‌ها در دست نیست، اما بررسی‌ها نشان می‌دهد فارسی دری در سده‌های نخستین هجری دست کم دو گونه اصلی داشته: گونه شمال شرقی در خراسان، افغانستان و ماوراءالنهر که اساس زبان ادبی قرار گرفت و بقایای زبان‌هایی چون پارتی و سغدی را می‌توان در آن مشاهده کرد؛ و گونه جنوب غربی که می‌توان آن را در ترجمه قرآن قدس، متون فارسی یهودی و حتی در متون پازند یافت. از سوی دیگر، زبان مادری برخی از فارسی‌نویسانی که در مرکز و غرب ایران می‌زیستند، گویشی غیر از فارسی دری بود و به همین علت در آثار فارسی آنان، برخی از ویژگی‌های آوایی و حتی برخی از واژه‌های مختص آن گویش‌ها را می‌توان یافت.^۱ تاکنون در بررسی‌های انجام شده، نشانه‌هایی از وجود گونه‌های فرارودی (ماوراءالنهری)، سیستانی، رازی، هروی، سورآبادی و معیار^۲ به دست آمده است.^۳ البته مطمئناً در روزگاران گذشته،

۱. برای اطلاعات بیشتر در این باره، رک: رضایی باغبیدی: ۱۳۸۸، ۱۷۱-۱۷۲.
۲. برای اطلاعات بیشتر درباره زبان معیار رک: سارلی: ۱۳۸۷؛ کلباسی: ۱۳۸۸؛ و برای اطلاعات بیشتر درباره وجود گونه معیار در قرون متقدم رک: رواقی: ۱۳۶۴، ۱۰-۱۱؛ سارلی: ۱۳۸۷، ۳۰۶-۳۰۸؛ رضایی باغبیدی: ۱۳۸۸، ۱۷۱.
۳. برای اطلاعات بیشتر در این باره، رک: رواقی: ۱۳۸۷، ۲۲۲-۲۲۳.

گونه‌ها و گویش‌های دیگری نیز در بسیاری از حوزه‌های جغرافیایی ایران بزرگ، کارایی داشته که به دلایل متعدد نتوانسته‌اند به مانایی خود ادامه دهند. برای نمونه، توجه برخی نویسندگان کتب ملل و نحل و مسالک و ممالک، نظیر مقدسی به ناهمگونی‌های زبان مردم سرزمین‌های عجم (برای نمونه، رک. مقدسی: ۱۳۶۱، ۳۳۷) و ذکر کلیاتی از ویژگی‌های خاص مردم خراسان در لهجه‌های مناطق مختلف نظیر نیشابور، طوس، هرات و مرو از این واقعیت حکایت می‌کند. (مقدسی: ۱۳۶۱، ۸۹-۹۰)

با وجود این طیف وسیع از گونه‌های مختلف در تاریخ زبان فارسی، تاکنون چنانکه باید به این مقوله توجه نشده و تنها معدودی از پژوهشگران با تلاش برای شناخت برخی ویژگی‌های آن‌ها، بر ضرورت پرداختن به این مهم تأکید ورزیده‌اند.^۱ به هر روی شاید بتوان مهم‌ترین وجه شناخت اختصاصات گونه‌های متنوع را یافتن پاسخی شایسته برای چگونگی روند تاریخ تحول و شکل‌گیری زبان فارسی دانست که جز از طریق دستیابی به ویژگی‌های خاص منطقه‌ای و دوره‌ای آن‌ها امکانپذیر نیست. گذشته از این، شناخت علمی بسیاری از مباحث ادبی نظیر تاریخ زبان فارسی، سبک‌شناسی و نقد ادبی، تصحیح انتقادی متون، کشف یا حدس آگاهی‌هایی درباره نوشته‌های بی‌شناسنامه، تنظیم علمی و منطقی فرهنگ لغت، تألیف فرهنگ تاریخی زبان فارسی، به کارگیری واژه‌هایی جدید جهت کمتر شدن نیاز به استفاده از لغات بیگانه، شناخت گونه یا سبک نوشته‌های امروزی فارسی، یافتن معنای درست لغات باقی‌مانده رایج در لهجه‌های معاصر و نیز آشنایی با گونه‌های فرهنگی از مواردی هستند که دستیابی به آن‌ها جز در گرو شناخت دقیق گونه‌های مختلف زبان فارسی، ممکن نیست.

۱. برای اطلاع بیشتر، رک. فهرست منابع، ذیل آثار علی رواقی و علواشرف صادقی.

این مهم، تنها با بررسی زبان یک یک متون به جا مانده از تاریخ گسترده زبان فارسی به دست می‌آید. چراکه هریک از این بررسی‌ها می‌تواند گوشه‌ای از این حرکت بزرگ را به سمت آگاهی‌یابی نسبت به ویژگی‌های گونه‌های مختلف و تاریخ تحول زبان فارسی سامان دهد. یکی از حوزه‌های قابل بررسی، هرات است. وجود تعبیری نظیر «گونه هروی»، «زبان قدیم هروی» و «لهجه هروی» در متونی از گذشته و حال، دلیل بر وجود کاربردی خاص از زبان فارسی در این منطقه جغرافیایی در دوره اول فارسی دری، به شمار می‌آید. مثلاً در احسن التماسیم به لهجه‌ای متمایز در این منطقه اشاره شده است. (مقدسی، ۱۳۶۱، ۹۰) همچنین تعبیر «زبان قدیم هروی» از جامی، نشان‌دهنده رواج لهجه‌ای خاص در هرات قدیم است. (جامی، ۱۳۸۶، بیست) حبیبی نیز که تحقیقات گسترده‌ای درباره پیشینه زبان مادری خود انجام داده، نهایتاً در مقدمه طبقات از وجود «لهجه هروی» سخن می‌گوید. (انصاری، ۱۳۸۰، مقدمه حبیبی، ۴ و ۲۷) این اشارات گذرا مبنی بر رواج گونه‌ای خاص در هرات، همواره پژوهشی دقیق و عمیق درباره ویژگی‌های این زبان می‌طلبد تا ضمن شناخت ویژگی‌های این لهجه، مهر تأییدی بر ادعاهای گذشته باشد. در این راستا هرچند رواقی، حبیبی، مولایی، ابوانف، لازار، رضایی، میل‌هروی و آصف‌فکرت، گاه در نوشتارهایی پراکنده از یک با چند ویژگی گویش کهن هرات یاد کرده‌اند،^۱ اما همچنان جای بررسی و شناخت

۱. برای اطلاعات بیشتر، رک. بخشی از تفسیری کهن به فارسی: ۱۳۷۵، مقدمه رواقی، سی‌وسه - شصت و هفت؛ انصاری: ۱۳۸۰، توضیحات و تعلیقات حبیبی، ۶۰۰ - ۶۹۰؛ حبیبی: ۱۳۴۱، ۶۵ - ۷۱ و ۱۵۴ - ۱۵۷؛ انصاری: ۱۳۸۶، مقدمه مولایی، ۹۵ - ۱۳۷؛ 1: Ivanow, 1923: pp. 338-382 & 334; Lazard; 137-400, pp. 1963, رضایی: ۱۳۵۴، ۱۰۰ - ۱۱۵؛ میل‌هروی: ۱۳۷۴، ۶۸ - ۷۳؛ آصف‌فکرت: ۱۳۷۶، ۲۹۸ - ۳۰۳

دقیق و همه‌جانبه این گونه کهن خالی می‌نمود و لذا گاه در بین صاحب‌نظران، اطلاق اصطلاح گونه هروی بر زبان رایج در این حوزه جغرافیایی بی‌وجه می‌نمود. کتاب حاضر در پی شناخت همه ویژگی‌های زبان متن *طبقات الصوفیه* به عنوان یکی از متون برجسته متعلق به این حوزه می‌باشد؛ تا در نهایت ضمن حصول این هدف، در مقایسه با متون دیگر، معیاری نسبی برای هروی بودن یا نبودن آن‌ها تلقی گردد. انتخاب طبقات، از آن جهت صورت گرفت که هم اصیل‌ترین و کهن‌ترین متن باقی‌مانده از این حوزه است؛ بطوریکه شناخت ویژگی‌های آن پایه و مایه دیگر بررسی‌های زبانی متون این حوزه خواهد بود و هم نمونه‌ای گفتاری و حاصل‌املائی یکی از شاگردان خواجه است که همین دور بودن از نوشتار و نزدیکی آن به زبان گفتار، بر اصالت و اهمیت آن در بررسی‌های زبان‌شناسانه می‌افزاید. به هروی هر چند وجود اشتراکات زبانی فراوان در متون باقی‌مانده از حوزه خراسان بزرگ، موجب می‌شود که نتوان بین گونه‌های زبانی هر یک از آن‌ها، حد و مرز دقیقی تعیین کرد، اما ملاحظه برخی ویژگی‌های خاص زبانی یا میزان کاربرد آن‌ها در طبقات و نیز مشاهده برخی اختصاصات منحصر به فرد منطقه هرات، وجود این گونه را به اثبات می‌رساند که در بخش‌های مربوط، به تفصیل و در پایان مقدمه، به اختصار از آن‌ها سخن گفته خواهد شد.

البته نکته درخور توجه آنکه زبان مسئله‌ای متعلق به انسان است که عوامل متعدد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بر آن اثر می‌گذارد و نباید آن را عنصری دانست که به راحتی مرزهایی دقیق و قابل تفکیک برتابد؛ بنابراین تنها می‌توان از حدود حوزه‌های جغرافیایی رواج یک گونه زبانی و نسبت رواج یک کاربرد زبانی در مناطق و حوزه‌های همجوار سخن گفت. به عنوان مثال صورت‌های زبانی شمال

شرق ایران که به گونه‌های منطقه خراسان معروفند، از وجوه اشتراک قابل توجهی برخوردارند و به دلایل مختلفی نظیر اختلاط فرهنگی و اجتماعی، نباید تصور کرد امکان کاربرد واژه‌ای متعلق به حوزه فرارود، در متون حوزه هرات وجود ندارد؛ بنابراین چنانکه از نتایج این پژوهش، پیداست تعداد کاربردهای منحصر بفرد گونه‌ها، غالباً محدود است.

چنانکه اشاره شد جز تنوع جغرافیایی، تفاوت در دوره زمانی نیز می‌تواند موجبات تنوع گونه‌ای حتی در یک منطقه را فراهم سازد. این حقیقت چنانکه از نگاهی به متون این حوزه برمی‌آید، درباره گونه هروی مثلاً در تحول زبان طبقات الصوفیه نسبت به نضحات الانس نیز صادق است. پس از گذشت چهار قرن، چنانکه از نوشته جامی در مقدمه نضحات الانس پیداست، لهجه خواجه در هرات مرسوم نبوده و مردم کمتر به مقاصد کتاب او پی می‌برده‌اند. بدین سبب او تصمیم می‌گیرد تا تحریری جدید از کتاب بدست دهد. (جامی: ۱۳۸۶، ۳)